



روابط شاهان قطب شاهیه با ایران

زیب حیدر*

پس از فروپاشی حکومت بهمنیان دکن در اواخر قرن پانزدهم و اوایل قرن شانزدهم میلادی، پنج سلسلهٔ شاهی دیگر به نامهای عادل شاهی، نظام شاهی عماد شاهی، برید شاهی، و قطب شاهی در مناطق مختلف دکن بر سرکار آمدند. سلطان قلی بنیان‌گذار سلطنت قطب شاهی از قبیلهٔ قرقویونلو بود. وی بر منطقه تلنگانه حکومت داشت و هنگامی که سلطنت بهمنی رو به انحطاط گذارد، اعلام خودمختاری کرد و با شاهان صفوی اقدام به برقراری رابطه کرد. وی مرید شاه نعمت‌الله کرمانی بود و مذهب اثنی عشری اختیار کرد. صاحب تاریخ قطب شاهی در ذکر سلاطین قطب شاهیه، چنین نوشته است:

"از سلاطین قطب شاهیه سلطان قلی قطب شاه معروف به پادشاه بزرگ، نوکر سلاطین بهمنیه بیدر بود. بعد از آن پادشاه شد." و مطالبات فرنگی در تاریخ فرشته ذکر قطب شاه به غایت مختصر است. امّا مؤلف تاریخ قطب شاهی از تواریخ قطب شاهی و دیگر تواریخ مطالبی فراهم کرده و می نویسد که:

"سلطان قلی در عهد خردسالی با عموی خود الله قلی، با چند رأس اسب به قصد تجارت عازم دکن شد. سلطان قلی به دارالسلطنت بیدر رسید و با وساطت امرا به شرف ملازمت سلطان محمود دکنی پادشاه دکن مشرف گشت".^۱

* - استادیار گروه زبان و ادب فارسی، دانشگاه عثمانیه، حیدرآباد.

۱ - احمد، سید برهان‌الدین: تاریخ قطب شاهی، حیدرآباد دکن، ۱۳۰۶ هجری، ص ۳.

دکتر زور در کتاب سیر گولکنده چنین می‌نویسد:

"قطب شاهیان در این سرزمین تقریباً دویست سال یعنی از سال ۹۰۱ تا ۱۰۹۸ هجری حکومت کردند. در دوران حکومت شاهان این سلسله محیطی فرهنگی و ادبی به وجود آمد و مردم از رفاه اجتماعی و اقتصادی برخوردار شدند. علم و فضل و شعر و سخن رواج یافت و به اعتبار سرزمین دکن افزود." سلاطین این سلسله با عموم مردم و شهروندان اعم از شیعه و سنی مذهب و هندو آیین و غیره برخوردی یکسان داشتند و از هرگونه تبعیض‌گرایی بدور بودند. این تدبیر شاهان قطب‌شاهی عاملی مهم در شکل‌گیری فرهنگی مشترک در این سرزمین بود. دکتر شکیب در پایان‌نامهٔ دکترئی خود تحت عنوان روابط گولکنده با ایران چنین نوشته است:

"در این دوره بود که هر دو فرهنگ محلی و ایرانی در حیدرآباد شکوفا شد." هشتاد در صد از کارگزاران و مسئولان امور دولتی دارالسلطنت گولکنده ایرانی بودند. زبان رسمی حکومت فارسی بود. ضمن این که عامهٔ مردم نیز در مکالمات روزمرهٔ خود به فارسی سخن می‌گفتند. ایرانیان مشهور به آفاقی بودند و افرادی که به زبان دکنی سخن می‌راندند، دکنی خطاب می‌شدند. تسلط کارگزاران ایرانی در دکن به حدی بود که حتی امور دیوانی و مالیاتی توسط آنها اداره می‌شد.

در این زمان برهمنان نیز به فارسی آشنا بوده و به این زبان سخن می‌گفتند. دولت وقت به شهروندان هندی برای فراگیری زبان فارسی کمک مالی اعطا می‌کرد. ترتیب مجالس قطب‌شاهی نیز شبیه مجالس ایرانیان بود و شامل دو طبقه همکف و اول می‌شد. طبقه همکف مربوط به امور خصوصی پادشاه و دولت بود و طبقه اول مربوط به مردم محلی و خارجی از قبیل سفیران می‌شد که با این منطقه در رفت و آمد بودند.

قطب‌شاهیان شمار بسیاری از سخن‌سرایان، نویسندگان، مورخان، مجتهدین و علمای دینی، و هنرپروران را در دربار خود جای دادند. آثاری مانند برهان مآثر،

عالم آرای عباسی و شرح اربعین منابع مهمی برای پی بردن به اعتقادات دینی و مذهبی قطب‌شاهیان هستند.

نصیرالدین هاشمی یکی از محققان حیدرآباد در اثر خود به نام نسخه‌های خطی دکن در اروپا می‌نویسد:

"در عهد سلطان قلی قطب‌شاه در دارالسلطنت گولکنده محلی به نام آتش‌خانه وجود داشت که سخن‌سرایان و نویسندگان در آن محل گرد هم می‌آمدند." متأسفانه در حال حاضر کتاب یا تذکره‌ای در دسترس نیست که اشاره‌ای به این نویسندگان و سخن‌سرایان کرده باشد. تنها یک عالم و نویسنده به نام ملا حسین طبسی بود که کتاب مرغوب القلوب را نوشت که آن هم در دسترس نیست.^۱

دربارهٔ شاعران و نویسندگان عصر جمشید قلی، کتابهای تاریخی و تذکره‌ها اسامی تعدادی از شخصیت‌های ادبی و تاریخی از جمله قاسم طبسی، ملا شریف وقوعی را ذکر کرده‌اند.

اختر حسن در مورد قاسم طبسی می‌نویسد:

"او در عهد جمشید به گولکنده آمد و جمشید قلی دهکده‌ای را به نام ابراهیم‌پور به وی بخشید."

طبسی در این دوره پیشرفت کرد و ملک الشعرا دربار جمشید شد. وی سپس در عهد ابراهیم قلی اسناد و نامه‌های مهمی را گردآوری کرد و مورد عنایت خاص ابراهیم قلی قرار گرفت. جمشید قلی قطب‌شاه خود شاعری برجسته بود و در شعر سرایی تبحر خاصی داشت. وی پس از محاصرهٔ بیجا نگر با برهان نظام‌الملک والی بیدر ملاقاتی داشت که طی آن نظام‌الملک هدیه‌ای را به حضور جمشید تقدیم می‌کند، اما جمشید قلی از پذیرفتن سرباز زده و می‌گوید:

۱- هاشمی، نصیرالدین: یورپ مین دکنی مخطوطات، حیدرآباد، ص ۳۰.

۲- نیشابوری، محمود بن عبدالله: مآثر قطب‌شاهی. نسخهٔ خطی کتابخانهٔ سلار جنگ، ص ۱۳.

مرا نیست با چترشاهی نیاز خطابی نخواهم به عمر دراز
شعر جمشید، ساده، لطیف و پخته است اما شکوهی شاهانه دارد. جمشید قلی عمر
کوتاهی داشت و چنانچه بیشتر می‌زیست، امکان آن می‌رفت که در زمره شاعران بزرگ
فارسی درآید. او در مناقب امامان هم اشعاری سروده است.

ابراهیم قلی قطب شاه از بنیان‌گذاران فرهنگ مشترک ایران و هند در دکن به شمار
می‌رود. اگرچه در این ایام فارسی زبان رسمی این سرزمین بود، اما وی توجه خاصی
به زبانهای اردو و تُلُگو نیز داشت. وی سخن‌سرایان و نویسندگان را مورد تشویق و
حمایت همه‌جانبه خود قرار می‌داد و به آنها احترام می‌گذاشت. ابراهیم قلی، بخشی از
کاخ خود را برای پذیرایی نویسندگان و شاعران اختصاص داده بود و همواره در سفر،
علما و نویسندگان و شاعران همراهیش کرده و با وی بر سر مسایلی مختلف دینی و
غیر دینی به بحث و گفتگو می‌پرداختند. در این دوره محلی را که اهل علم و کمال برای
بحث و تحقیق در آن جاگرد هم می‌آمدند، آتش‌خانه نام‌گذاشته بودند^۱. در زمان ابراهیم
قلی رشد و گسترش شعر و سخن به اوج خود رسید و کتابهای تاریخی و دینی و ادبی
فراوانی نگاشته شد. قاسم طبسی، وفا خال، و میر تقی‌الدین مشهور به میر شاه عالم از
نویسندگان و علمایی بودند که در رشد علم و ادب در این خطه سهم عمده‌ای ایفا کرده و
فرهنگ سنتی دکن را گسترش دادند. ابراهیم قلی توجه فراوانی به احیاء محلی هندوان از
قبیل دیوالی، هولی و داسرا از خود نشان داد، پوشاک ایرانی را به کنار گذاشت و لباس
محلی دکن را بر تن کرد. او علاقه فراوانی به شعر، ادبیات و هنر داشت و نه تنها به زبان
فارسی بلکه به زبانهای اردو و تُلُگو نیز شعر می‌سرود و دیوان قطوری از خود بر جای
گذاشت. مضمون اشعار وی مملو از قصه حسن، رموز و نکات عاشقانه، و معنی آفرینی
است و در آنها تشبیهات و استعارات زیبایی به کار رفته است. از وی مرثیه‌ای فارسی هم
به جای مانده است.

از دیگر شاعران، علما و فضلاء این دوره می‌توان از وجهی، میرزا محمد امین
شهرستانی، میر جمله، روح الامین، حسین بن علی الفرسی، میر محمد مؤمن استرآبادی
و علامه ابن خاتون نام برد.

میر محمد مؤمن استرآبادی گورستان بزرگی را با نام «دایره میر مؤمن» در شهر
حیدرآباد بنا کرد. وی کتابی دارد به نام رساله مقداریه که در زمان محمد قطب شاه نوشته
شده و موضوع آن درباره اوزان طبری و شرعی است. دو نسخه از این اثر در کتابخانه
خاورشناسی حیدرآباد و کتابخانه سالار جنگ موجود است. میر مؤمن شاعر نیز بوده، اما
دیوانی از وی در دست نیست. وی هنگام جلوس سلطان محمد قطب شاه بر تخت
سلطنت، این بیت را سرود:

با محبت زیستنم، در عهد و پیمان نوی کهنه جانی می‌فشانم پیش جانان نوی
آن گونه که از این شعر برمی‌آید، وی شاعری چیره‌دست بود و شعر وی پر معنی و
جذاب است.

حاجی ابر قوی، کامی شیرازی، شریف کاشانی، میرک معین سبزواری، محسن
همدانی و مسیحا کاشی از دیگر شاعران این دوره هستند. در دوره سلطان محمد
قطب شاه، علما، مورخان و افراد برجسته‌ای چون علامه ابن خاتون، مولانا حسین آملی،
شیخ جعفر علی، ملا عبدالحکیم، سید کمال‌الدین مازندرانی، میر قطب‌الدین نعمت‌الله،
نظام‌الدین احمد الصاعدی شیرازی، تقی‌الدین بن شیخ صدرالدین علی و سیادت پناه
محمد مرتضی می‌زیستند که بانی خدمات علمی و ادبی فراوانی به دکن شدند. دربار
محمد قطب شاه علاوه بر علما و نویسندگان یادشده، شاعران بسیاری را از ایران در خود
جای داده بود که در این میان از ذکر نام شاعرانی چون عشرتی یزدی، علی گل
استرآبادی، میر مؤمن یزدی، محمد امین بن محمد شریف استرآبادی، قادر بیگ کوکی،
خیالی اردستانی، سید مراد اصفهانی و حکیم رکناکاشی نمی‌توان گذشت.

سلطان محمد به فلسفه، تاریخ و علوم دینی علاقه‌ای وافر داشت و بیشتر اوقات خود
را در محضر علما و اندیشمندان می‌گذراند. وی طبعی شاعرانه داشت و به ظل‌الله

تخلص می‌کرد. وی شاعری سنجیده سخن بود که بسیار ماهرانه و شیرین شعر می‌سرود. این شعر از اوست:

قرب یارم ز عشق و دولت اوست این همه حشمتم ز همت اوست

در عهد سلطان محمد قطب شاه کتابی با نام تاریخ سلطان محمد قطب شاهی نگاشته شد، اما متأسفانه نام مؤلف آن معلوم نیست.

عبدالله قطب شاه نیز در زمان خود توجه فراوانی به ادبیات منثور و منظوم داشت. وی هنرمندانی را که در عهد سلطان محمد گوشه نشینی اختیار کرده بودند، بر سرکار آورد و آنها نیز با حمایت وی فعالیت‌های ادبی و هنری خود را از سر گرفتند، از جمله شاعران صاحب نام این دوره می‌توان از وجهی و غواصی نام برد. همانند دوره ابراهیم شاه، در عصر عبدالله نیز مجلسی به نام آتش خانه برای گردهمایی شاعران و نویسندگان و علما به منظور انجام مباحثات علمی و ادبی برقرار بود. در این دوره علاوه بر آثار ادبی، کتابهای دینی، تاریخی، ریاضی، نجوم و دیگر موضوعات نیز به نگارش درآمد. سید نظام‌الدین داماد عبدالله قطب شاه خود عالمی ریاضی دان و منجم بود و در هنر و علوم مختلف ۱۰۸ رساله تألیف کرد که به نام شجره دانش معروف است.

راحت عزمی از معاصران ماکتبی را درباره احوال و آثار علامه ابن خاتون و معاصران وی به رشته تحریر درآورده است. در عصر قطبشاهیان، محمد علی هبله رودی مجمع الامثال را به ترتیب حروف الفبای فارسی گردآوری کرد. و علی بن طیفور نیز آثار زیادی از خود بر جای گذاشت، برهان تبریزی، فرهنگ فارسی برهان قاطع را تألیف کرد. و البته با این که آثاری متعددی را در زمینه‌های ادبی و موضوعات عرفانی، علوم و تذکره تألیف کرد، اما اکنون فقط اثری منثور از تألیفات وی به جامانده است.

میر محمد کاظم حسینی از قصیده‌سرایان این دوره و خالق ده مثنوی به نام عشره مبشره بود. او رباعی می‌سرود و کتابی به نام گنج‌نامه از وی بر جای مانده است. سعید کاشانی نیز از دیگر شاعران برجسته این دوره بود و به سرمد تخلص می‌کرد.

در باب وضعیت سیاسی و فرهنگی و روابط ایران و هند در این دوره می‌گوییم: دولت گولکنده هنگام ورود سفیر ایران از وی با مراسم سستی استقبال به عمل می‌آورد. هدف از اجرای این مراسم نشان دادن شکوه و حشمت حکومت و آداب میهمان‌نوازی مردم گولکنده بود. تمامی امکانات رفاهی و پذیرایی که در آن زمان در اختیار سفیر ایران گذاشته می‌شد، در دفتری به نام دفتر تشریفات به ثبت می‌رسید. معمولاً سفیر ایران که در آن دوره ایلچی خوانده می‌شد، از مسیر دریا به خلیج بنگال آمده و در بندرگاه مچھلی‌پننام به گولکنده وارد می‌شد و از سوی کارگزاران حکومتی مورد استقبال قرار می‌گرفت. البته این استقبال سه مرحله داشت. مرحله اول در همان بندرگاه مچھلی‌پننام بود، در مرحله دوم در مرز حکومتی از وی استقبال می‌شد. برای استقبال از سفیر شورایی به ریاست وزیر تشکیل شده بود که اشراف و کارگزاران عضو آن بودند. در مرحله سوم هنگام ورود سفیر به پایتخت از وی استقبال رسمی به عمل می‌آمد که شورایی متشکل از اشراف، امرا و صاحب منصبان حکومتی مسئولیت استقبال را به عهده داشت. در بعضی مواقع خود پادشاه نیز به استقبال ایلچی می‌رفت. پس از آن سفیر در دربار به حضور پادشاه می‌رسید و پیغام زبانی و نامه رسمی شاه ایران را به همراه هدایایی از قبیل پارچه و خلعت، اسبان، شتران، فیلان، کتابهای ارزشمند، قالیهای نفیس ایرانی و غلامانی چند به وی تقدیم می‌کرد. در مقابل پادشاهان قطب شاهی نیز هدایایی برای پادشاه ایران و سفیر و همراهان وی پیشکش کرده و میهمانان را مورد عزت و احترام فراوان قرار می‌دادند. و همه ایشان از شاه خلعت و جاگیر جایزه می‌گرفتند و اعزاز می‌یافتند. او را جای بزرگان می‌نشانند و برای زندگانی او هم ساختمان خوب و اسبان، فیلان، پالکی (ارابه/دلیجان) و خدمتکار در نظر می‌گرفتند و در بعضی اوقات به طور جایزه از طرف قطبشاه جاگیر هم داده می‌شد. بعضی اوقات خود سلطان برای بازدید به محل اقامت سفیر می‌رفت.

هنگام ترک گولکنده و مراجعت سفیر به ایران نیز مراسم بدرقه به طرز سنتی انجام می‌گرفت. پادشاه قطب‌شاهی نامه و هدایایی را برای پادشاه ایران همراه سفیر روانه می‌کرد و به وسیله او پیغام شفاهی هم می‌فرستاد. در سفر ایلچی ایران افرادی به عنوان ناظم^۱، مددگار، منشی، اخبارنویس و تحویلدار^۲ و بین صد تا هشت صد جنگجو که غازیان عظام نامیده می‌شدند همراه او بودند. این در حالی است که سفیر گولکنده در سفر به ایران جنگویان مخصوص را به همراه نمی‌برد و گروهی سرباز به همراه داشت. مراسم استقبال از وی در بندرعباس به‌انجام رسیده و سپس با تشریفات رسمی به پایتخت کشور هدایت می‌شد. براساس آنچه که در تاریخ قطب‌شاهی و حدیقة السلاطین آمده است، در آن ایام در گولکنده سفیر «حاجب» نامیده می‌شد. حاجب در داد و ستدهای خارجی و داخلی و روابط سیاسی دوجانبه نقش مهمی داشت.

در مکاتبات رسمی و سیاسی بین ایران و گولکنده ذکر القاب اهمیت بسیار داشت. زبان این نامه‌ها بسیار شیوا، جالب و گیرا و محاوره‌ای بود. این نامه‌ها علاوه بر اهمیت و ارزشی سیاسی، یک اثر ادبی محسوب می‌شد. در این جا بی‌مورد نیست اگر القاب درج شده در یکی از نامه‌ها آورده شود:

«دودمان عالی نشان و کرامت بنیان طیبین و طاهرین جهان، بانی و شورستانی صاحب قرانی شاه عباس الصفوی الموسوی الحسینی بهادر خان خلد ملکته و سلطانه».

در بخش دیگر موضوع و هدف نامه به طور مشروح نوشته می‌شد. هنگامی که کاتب و اخبارنویسی از جانب حکومت دهلی برای گولکنده تعیین می‌شد، و تجدید دیدار دست می‌داد، پیام شاه به طور شفاهی به اطلاع می‌رسید.

تجارت در عهد قطب‌شاهیان در سطح بین‌المللی گسترش یافت و گولکنده در بازار تجارت پیشرفت کرد. گولکنده یکی از مراکز مهم باربری دریایی و کشتی‌سازی به‌شمار می‌رفت و در بنادر آن کشتی‌های باربری تولید می‌شد. در شرق گوداوری در شهر نرساپور یک مرکز مهم کشتی‌سازی وجود داشت و به‌راستی در این دوره حکومت گولکنده در زمینه‌های مختلف تجاری، صنعتی هنری و ادبی در اوج قرار گرفته بود و با کشورهای مختلف روابط بازرگانی داشت. بافتن پارچه‌های ابریشمی از صنایع مهم گولکنده بود. پارچه‌های نخی (ململ) و چیت (پارچه بونه‌دار- جهینت: Chintz) این منطقه، در ایران و هلند از معروفیت برخوردار بود و کلاه قرمز رنگ دوازده گوش به سبک کلاه قزلباشان ایران، در این منطقه بافته می‌شد. شاهان ایران چیت و فلمکاری گولکنده را دوست داشتند. زیور آلات مرصع، صدف، الماس، عاج و غیره از صادرات مهم گولکنده به ایران بود. علاوه بر این ظروف شیشه‌ای تزیینی، ظروف گنگا جمنی (نقره‌ای و مطلقاً) و ادویه جات بخش دیگری از صادرات هند را به ایران تشکیل می‌داد. بدیهی است که این روابط تجاری تأثیر فراوانی بر فرهنگ شبه‌قاره گذاشت. واردات کتاب، ظروف آهنی، سفالی، منسوجات، زیور آلات، لوازم آرایش، تابلوهای نقاشی و کاشی‌های تزیینی از شهرهای قم، ساوه، سلطان‌آباد، اصفهان و دیگر مناطق ایران به گولکنده جلوه درخشانی به این منطقه بخشید. معمولاً کاشی‌های تزیینی وارداتی از ایران به وسیله اسب و شتر به گولکنده آورده می‌شد و در بنای کاخها، مساجد و آرامگاهها به کار برده می‌شد که نمونه‌هایی از آن تاکنون نیز بر آرامگاه و بقعه‌های قطب‌شاهیان موجود است.

در عهد سلطان قلی قطب‌شاه مسجد جامع و قلعه محمد نگر و بنای پخته حصار بر بالای کوه قلعه مذکور ساخته شد. در زیر قلعه گولکنده نیز عمارات و دکانهایی برای داد و ستد بنا گشت. پادشاه به امرا، خوانین و رعایا و نظامیان و غیره دستور داد تا هر یک در حد توانایی خود عمارت و بقاعی در این ناحیه برپا کند و بر آبادانی ناحیه بیفزاید.



روابط شاهان قطب شاهیه با ایران

طراحان و مهندسان ماهر نیز در یک جانب این قلعه، عمارات شاهیه، حمام و مسجد و عاشرخانه (حسینیه) ساختند.

حصار این قلعه در عهد ابراهیم قطب شاه طی نه ماه ساخته شد. هزینه ساخت این بنای عظیم دو میلیون روپیه بود. این قلعه دورش هشت هزار درعه و چهار صد برج با سکوها، هشت دروازه آهنی و خندق است که حیرت همگان را برمی انگیزد. کار اتمام این بنا در سال ۱۲۵۸ هجری به پایان رسید. پل دریای موسی سینتر به سبب عشق شاهزاده مرزا محمد قلی که بر بهاگ مستی که در زمره طوایف بود ساخته شد. حقیقت این که شاهزاده مذکور بر طبق عادت معهود که موصلت پنهان لذت بسیار می دهد همواره به وقت شب از قلعه محمد نگر نجاته طوایف مذکوره در موضع چچلم آمد و رفت می داشت.^۱

به هر حال آنچه مسلم است این که روابط گولکنده با ایران در عهد قطب شاهیان با دادآو سندهای تجاری و رفت و آمدهای سیاسی دوجانبه و دیگر تبادلات به اوج خود رسیده بود و فرهنگ و سنن این منطقه به طور عمیقی تحت تأثیر و نفوذ فرهنگ و تمدن ایران زمین بود.^۲

منابع

احمد، سید برهان الدین: تاریخ قطب شاهیه، حیدرآباد دکن، ۱۳۰۶ هجری، ص ۳.

فیض حسین: تاریخ گلزار آصفیه، حیدرآباد، ص ۱۰.

نیشابوری، محمود بن عبدالله: مآثر قطب شاهیه، نسخه خطی کتابخانه سالار جنگ، ص ۱۳.

هاشمی، نصیرالدین: یورپ مین دکنی مخطوطات، حیدرآباد، ص ۳۰.

۱- فیض حسین: تاریخ گلزار آصفیه، حیدرآباد، ص ۱۰.

۲- همان، ص ۱۱.